

بررسی تطبیقی زبان جنسیت در نامه‌های عاشقانه چهار منظومه غنایی (ویس و رامین، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و شیرین و خسرو)

فرزانه امیرپور^۱

دکتر سیده مریم روضاتیان^۲

دکتر حسین آقاحسینی^۳

چکیده

یکی از مباحث مهم در بررسی زبان شعر، رابطه جنسیت با زبان اثر است. برخی پژوهشگران معتقدند میان زبان و نوشتار زنانه و مردانه، تفاوت وجود دارد. در این مقاله، با استفاده از دیدگاه‌های زبان‌شناسی به ویژه نظریه رابین لیکاف، میزان توانمندی شاعران مرد در بازنمایی زبان جنسیت و ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های زن و مردی که نامه‌های عاشقانه چهار منظومه غنایی از زبان آن‌ها سروده شده است، تحلیل و تبیین شده است. برای این منظور، زبان نامه‌های عاشقانه بر اساس مباحثی از علم معانی، چون جملات خبری، امری، پرسشی، قسم، دعا و منادا، تقیید و اطلاق بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد در نامه‌های دو منظومه «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی و «شیرین و خسرو» امیر خسرو دهلوی، زبان نامه‌ها متناسب با جنسیت شخصیت‌های زن و مردی است که نامه‌ها از زبان آن‌ها بیان می‌شود؛ اما در نامه‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی، زبان شخصیت‌ها تحت تأثیر جنسیت شاعر است. به نظر می‌رسد دیدگاه شخصی نظامی به شخصیت زن و موقعیت اجتماعی زنان دو منظومه از عوامل مؤثر در این زمینه بوده است.

کلیدواژه‌ها: زبان جنسیت، نامه‌های عاشقانه، منظومه‌های غنایی.

farzaneamirpour@yahoo.com

rozatian@yahoo.com

h.aghahosaini@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

۱- مقدمه

پدیده زبان و عوامل مؤثر بر آن از دیرباز موضوع مورد مطالعه پژوهشگران بوده است. «از آغاز پیدایش علم زبان‌شناسی در قرن نوزدهم تا نیمه دوم قرن بیستم که کسانی همچون ساپیر، لباو و فیشر اهمیت عوامل اجتماعی را در مطالعات زبانی نشان دادند، به نقش این عوامل در زبان توجه چندانی نشده بود» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳)؛ اما پس از آن زبان‌شناسان در پی ارائه شواهدی بودند که به اختلافات زبانی میان سخنگویان یک زبان و دلایل آن اشاره کند. به طور کلی در تمامی زبان‌ها، از نظر تلفظ واژگان و دستور زبان تفاوت‌هایی میان سخنگویان وجود دارد. برخی از این تفاوت‌ها فردی و برخی گروهی هستند. «تفاوت‌های جمعی که منجر به جدا شدن گروهی از گویشوران یک زبان از بقیه می‌شود، معمولاً به عوامل غیرزبانی نظیر منطقه جغرافیایی، سن، جنسیت، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، مذهب، شغل و... بستگی دارد» (باطنی، ۱۳۶۳: ۷۸-۷۹). از میان عوامل اجتماعی مؤثر بر زبان، عامل جنسیت نقش مهمی در بروز تفاوت‌های زبانی دارد و سبب بروز ویژگی‌های زبانی متفاوت، در زنان و مردان می‌شود. همچنین می‌توان یکی از دلایل تفاوت‌های زبانی زنان و مردان را به موقعیت و نقش اجتماعی متفاوتی که هریک از این دو گروه در جامعه بر عهده دارند مربوط دانست (نک: نوشین‌فر، ۱۳۸۱: ۱۸۵). اگرچه وجود تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان اثبات شده است، اما بسیاری از محققین معتقدند «تحقیق در حوزه سبک زبان زنانه و تفاوت‌های زبان زنانه و مردانه مبتنی بر این مسئله است که زنان به چه کاربردها و صورت‌هایی از زبان گرایش بیشتری دارند و گرنه مسئله زنانه‌نویسی و در نظر گرفتن چیزی به عنوان زبان زنانه در ذات زبان وجود ندارد و زبان الزاماً دارای تمایزات جنسی نیست» (رضوی و صالحی نیا، ۱۳۹۴: ۶۸). این گروه معتقدند «هیچ یک از زبان‌شناسان توانایی ساخت و کاربرد نشانه‌ها و دستور زبان را به یک جنس خاص منتسب نکرده‌اند؛ اما درباره میزان کاربرد،

-
1. Sapir
 2. Labov
 3. Fichman

قوت و ضعف و تأخر در یادگیری زبان بین دو جنس تفاوت‌هایی کشف کرده‌اند» (طاهری، ۱۳۸۸: ۹۳).

با در نظر گرفتن این موضوع، تفاوت‌های زبانی در گونه‌های متفاوت ادبیات فارسی قابل بررسی است. بخش بزرگی از ادبیات ما، توسط شاعران و نویسندگان مرد و به شکل انتقال روایت از واقعیت‌ها و آرزوهای یک زن نوشته شده است. از آنجا که زنان از نظر بیولوژیکی دارای عواطف و ذهنیت خاص خود هستند، با توجه به نگرش زنانه خود به موضوع می‌نگرند و از شیوه‌های خاص متفاوت با شیوه‌های نگارش مردان سود می‌برند» (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۶). از جمله مسائل مهم در بررسی زبان آثار غنایی این است که گوینده مرد در سخن گفتن از جانب شخصیت زن داستان تا چه اندازه توفیق داشته است. یکی از بخش‌های جذاب ادبیات غنایی، نامه‌های عاشقانه است. در این پژوهش، نامه‌های موجود در چهار منظومه غنایی انتخاب و با استفاده از نظریات زبان‌شناسی جنسیت به‌ویژه نظریه رابین لیکاف بررسی شده است. هر چهار منظومه مورد بررسی، سروده شاعران مرد است اما در بخش مربوط به نامه‌ها، بخشی از زبان شخصیت زن و بخشی از زبان شخصیت مرد داستان سروده شده است. با توجه به تأثیر جایگاه اجتماعی و موقعیت افراد در زبان جنسیت، در این نامه‌ها زن و مرد گاه در جایگاه عاشق و گاه در جایگاه معشوق قرار دارند و این موضوع نیز در نوع زبان به کار رفته از سوی آنان مؤثر است. اولین منبع مورد بررسی در این پژوهش، ویس و رامین (وفات بعد از ۴۴۶) است. تعداد نامه‌های این منظومه، ۱۵ نامه است که دو نامه از زبان رامین و سیزده نامه از زبان ویس بیان شده و مجموعاً ۸۵۸ بیت را در بر گرفته است. نامه‌های عاشقانه نخستین بار در ویس و رامین یاد شده و روش فخرالدین اسعد در سرودن این نامه‌ها منشأ ده‌نامه‌سرایی در ادبیات فارسی می‌شود (نک: صفا، ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۵۵). فروزانفر معتقد است که «فخرالدین اسعد زبان پهلوی می‌دانسته و داستان ویس و رامین را از یک اصل پهلوی ترجمه نموده و در اشتقاق بعضی کلمات، دم از پهلوی‌دانی خود زده است» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۳۶۵). بنابراین می‌توان سابقه نامه‌های عاشقانه را به دوران اشکانی رساند. دیگر منبع مورد تحلیل، نامه‌های خسرو و

شیرین نظامی (۶۱۲-۵۳۷ ه.ق) است. «ریشه‌های این داستان ماجرابی تاریخی متعلق به دوره ساسانی است و هسته آن از شاهنامه برگرفته شده؛ اما در کتب *المحاسن و الاضداد* (۱۶۷ ه.ق)، *غرر اخبار ملوک الفرس* (۴۳۹-۴۴۰ ه.ق) و تاریخ بلعمی (۲۲۰ ه.ق) نیز به این داستان اشاره شده است» (ریاحی، ۱۳۵۸: ۳۱). این منظومه دارای دو نامه عاشقانه از سوی خسرو و شیرین و مشتمل بر ۸۷ بیت است.

در منظومه *لیلی و مجنون* (۶۱۲-۵۳۷ ه.ق)، لیلی پس از مرگ پدر مجنون، نامه‌ای به او می‌نویسد و با زبانی عاشقانه او را دلداری می‌دهد و مجنون در پاسخ او گله‌های عاشقانه خود را با زبانی لطیف بیان می‌کند. این دو نامه در مجموع ۱۳۳ بیت از منظومه را تشکیل داده است. به اعتقاد برخی از محققان، داستان لیلی و مجنون از یک موضوع مردمی قدیمی که در ادبیات بابلی رواج داشته اقتباس شده است (ریپکا، ۱۳۵۴: ۳۰۰)؛ اما کراچکوفسکی معتقد است «اصل و ریشه داستان به عرب‌ها تعلق دارد» (کراچکوفسکی، ۱۳۷۳: ۲۴). دیگر منبع مورد تحلیل در این پژوهش، نامه‌های موجود در شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی (۷۲۵-۶۵۱) است که ۱۸۹ بیت از منظومه را شامل می‌شود. نامه خسرو به شیرین، سراسر سرزنش است و شیرین نیز در پاسخ، به گلایه از او می‌پردازد. در این پژوهش سعی شده است میزان مطابقت هر یک از این نامه‌ها با زبان جنسیت مشخص گردد.

۱-۱- بیان مسئله: بررسی زبان جنسیت در نامه‌های عاشقانه

در این پژوهش، نامه‌های عاشقانه چهار منظومه غنایی انتخاب و با استفاده از نظریات زبان‌شناسی، به‌ویژه نظریه رابین لیکاف بررسی شده است. لیکاف زبان زنانه را پست‌تر از زبان مردان می‌داند^(۱) «زیرا شامل انگاره‌های ضعف است و بر مطالب بی‌اهمیت، غیر جدی و واکنش‌های عاطفی تأکید دارد. به نظر او گفتار مردان نیرومندتر است و اگر زنان خواهان کسب برابری‌های اجتماعی با مردان باشند باید زبان آن‌ها را بپذیرند» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۲۶۳). هر چهار منظومه مورد بررسی، سروده شاعران مرد است اما در بخش مربوط به نامه‌ها، بخش‌هایی از زبان شخصیت زن و بخش‌هایی از زبان شخصیت مرد داستان سروده شده است.

بنابراین هدف اصلی پژوهش، بررسی میزان توفیق شاعران مرد در بازنمایی زبان جنسیت، در این آثار است. فرضیه مطرح این است که زبان به کار رفته در هر چهار اثر منطبق بر زبان جنسیت است و هریک از این شاعران با توجه به جنسیت خود، توانایی بازنمایی زبان زنانه را در نامه‌های مربوط به شخصیت زن داستان داشته‌اند. سؤال پژوهش این است که کدام یک از شاعران در بازتاب زبان جنسیت موفق‌تر بوده‌اند و دلیل عدم انطباق بعضی از آثار با زبان جنسیت چیست؟ به جهت تناسب در ابیات مورد بررسی، نامه‌های موجود در سه منظومه خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و شیرین و خسرو به طور کامل بررسی شده است اما از میان نامه‌های منظومه ویس و رامین، دو نامه از ویس و دو نامه رامین جهت بررسی و تحلیل محتوایی انتخاب شده است. در انجام این پژوهش، از روش اسنادی و آمار توصیفی بهره گرفته‌ایم. در آغاز، با تکیه بر نظرات زبان‌شناسی، معیارهای زبان جنسیت بیان شده و در هر مورد، مثال‌هایی از متون حیطه پژوهش آمده است و سپس در پایان هر بخش، کاربرد هر یک از متغیرها در نامه‌های شخصیت زن و مرد داستان، بررسی و تحلیل شده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق در زمینه زبان جنسیت به اوایل دهه هفتاد میلادی و تحقیقات رابین لیکاف (۱۹۷۵) در مورد زبان زنانه بازمی‌گردد. او در پژوهش نوآورانه خود هشت ویژگی مربوط به گفتار زنان را بیان کرد. همچنین ساپیر (۱۹۳۹)، لباو (۱۹۷۲)، برند^۱ (۱۹۷۵)، دوبوا و کراچ^۳ (۱۹۷۵)، ترادگیل^۴ (۱۹۸۳)، بارون^۵ (۱۹۸۶)، و کامرون^۶ (۱۹۸۹) از پژوهشگران در زمینه مطالعات زبان و جنسیت هستند. این دسته از پژوهش‌ها مبنی بر بررسی تأثیر متغیر جنسیت در سطح آوایی، نحوی و شیوه‌های تعامل زنان و مردان در رفتارهای کلامی است. در ایران دسته-

-
1. Brand
 2. Du Bois
 3. Crouch
 4. Trudgill
 5. Baron
 6. Cameron

ای از محققان با تألیف پایان‌نامه به تحقیق در زبان جنسیت پرداختند. از جمله: نوشین‌فر (۱۳۷۴) لایه‌های مختلف زبان‌شناسی جنسیت و تأثیر جنسیت بر زبان و جامعه را معرفی کرد. صادقی تحصیلی (۱۳۷۴) تمایز مقوله احساس در شعر شاعران زن و مرد را بررسی کرد. عسگری (۱۳۷۵) با توصیف کلی گونه محاوره‌ای فارسی، تفاوت‌های کاربردی دو جنس در تلفظ، از جمله تکیه، ضمائر شخصی و صورت‌های خطاب را مورد توجه قرار داد. مدرسی (۱۳۷۸) همبستگی جنسیتی با برخی متغیرهای آوایی زبان فارسی را اثبات کرد. برزگر آق‌قلعه (۱۳۷۸) تأثیر زبان جنسیت در انتخاب واژگان را بررسی کرد. جان‌نژاد (۱۳۸۰) نشان داد مردان در مقایسه با زنان سهم بیشتری از گفتگو را در اختیار می‌گیرند و سلطه بیشتری بر جریان گفتگو دارند. پژوهشگرانی نیز با مقالات خود به پژوهش در باب زبان جنسیت پرداخته‌اند. نجم‌آبادی (۱۳۷۷) به دگرگونی زبان زن و مرد در دوره مشروطیت پرداخت. علی‌نژاد (۱۳۸۱) مقوله جنسیت را در راستای تحول زبان فارسی بررسی کرد. داوری اردکانی و عیار (۱۳۸۷) جنبه‌های مختلف زبان و جنسیت را مورد توجه قرار دادند. طاهری (۱۳۸۸) از پژوهش خود چنین نتیجه می‌گیرد که در آثار ادبی با سبک و نوشتار زنانه مواجه هستیم و عنصر جنسیت نمی‌تواند عاملی برای ایجاد یک زبان مستقل باشد. بهمنی و باقری (۱۳۹۱) ویژگی‌های زبان زنانه را در آثار سیمین دانشور بررسی و سپس آن‌ها را با زبان زنان در آثار جلال آل احمد مقایسه کرده‌اند. نیکویخت (۱۳۹۱) به نمودهای دیدگاه زنانه در سطوح مختلف واژه، جمله و سطح گفتمان در آثار زویا پیرزاد پرداخته است. بهمنی مطلق و مروی (۱۳۹۳) در پژوهش خود رابطه زبان و جنسیت را در رمان شب‌های تهران بررسی کرده‌اند. رضوی و صالحی‌نیا (۱۳۹۴) با مطالعه سبک‌شناختی خاطرات تاج‌السلطنه، ویژگی‌های زنانه این اثر را شناسایی کرده‌اند. بخشی از این پژوهش‌ها، در زمینه مبانی نظری زبان‌شناسی جنسیت و بخش دیگر در زمینه نقد عملی زبان جنسیت در رمان‌های معاصر است. در مقاله پیش رو، استفاده از نظریه‌ها و پژوهش‌های مربوط به مبانی نظری زبان جنسیت اهمیت ویژه‌ای است و در کنار آن، محقق کوشیده است تفاوت‌های زبان جنسیت را با رویکرد به مباحثی از علم معانی تحلیل و تفسیر کند.

۱-۳- ضرورت پژوهش

مسئلهٔ زبان جنسیت یکی از موضوعات جدید در ادبیات فارسی است و به‌ویژه در ادبیات غنایی نیاز به تأمل و کاوش دارد. در سال‌های اخیر این موضوع در برخی متون منشور ادبیات معاصر مورد توجه قرار گرفته است اما تاکنون هیچ یک از متون منظوم و کلاسیک ادب فارسی از این منظر تحلیل نشده‌اند. در این تحقیق برای نخستین بار بخش‌هایی از چهار منظومهٔ غنایی بزرگ بر اساس نظریهٔ زبان جنسیت رابین لیکاف بررسی و تلاش شده است تفاوت‌های زبان زنانه و مردانه در قالب این نظریه و با رویکرد به مباحث علم معانی تحلیل شود. همچنین این پژوهش علاوه بر نشان دادن توانمندی شاعران در بازنمایی زبان جنسیت می‌تواند میزان تأثیر دیدگاه‌های شخصی شاعر و رویکردهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی او را در چندصدایی شدن یک متن مشخص کند.

۲- بحث

در این بخش با استنباط از نظریات زبان‌شناسی به ویژه نظریهٔ رابین لیکاف، مهم‌ترین تفاوت‌های زبان زنانه و مردانه بیان شده سپس نتایج آن در نامه‌های عاشقانه، تجزیه و تحلیل می‌گردد. از نظر لیکاف مهمترین مشخصات گفتار زنان عبارتند از:

(۱) کاربرد تردیدنماها؛ تردیدنماها کلماتی هستند که حس تردید و درنگ گوینده را به مخاطب القا می‌کنند. لیکاف معتقد است زنان با به کار بردن این دسته از کلمات از اظهار نظر قطعی می‌پرهیزند و گاه از جواب دادن طفره می‌روند؛ (۲) استفادهٔ بیشتر از قید در زبان مانند خیلی؛ (۳) استفاده از صفت‌های تهی؛ یعنی صفاتی که همانند سایر صفات اسم را توصیف می‌کنند اما نمی‌توان برایشان معنای صریح و دقیقی تعریف کرد؛ (۴) استفاده از نقل قول مستقیم؛ (۵) داشتن لغات خاص؛ زنان از واژه‌هایی استفاده می‌کنند که مربوط به علایق خاص آن‌ها در حوزه‌های مختلف است؛ (۶) استفاده نکردن از زبان خشن یا مردانه؛ (۷) استفاده از گفتار غیر مستقیم برای درخواست (Lakoff, 1975: 52-54). لیکاف معتقد است بیان عبارت به صورت پرسشی در زبان زنانه بیشتر است (Cameron, 2005: 490).

از دیگر تفاوت‌هایی که لیکاف میان زبان زنان و مردان مطرح می‌کند این است که زن‌ها اجازه می‌دهند مخاطب بر محاوره چیره شود. زنان صورت‌های زبانی بیانگر و مردان صورت‌های زبانی عقلانی را بیشتر به کار می‌برند. قید و صفت، بیانگر عواطف‌اند ولی اسم و فعل دلالت عقلانی دارند. بسامد قید و صفت در کلام زنان بیش از مردان است. زن‌ها استانداردهای زبان را بیشتر رعایت می‌کنند و نشانه‌های موافقت زیادی می‌فرستند. الگوهای آوایی مورد استفاده زنان شبیه پرسش است و نیاز به تأیید دارد. همچنین زنان در زبان مانند مردان آمرانه عمل نمی‌کنند. لیکاف معتقد است زنان برای تأکید بر گفتار خود از آهنگ قوی‌تر جملات و تشدیدکننده‌ها استفاده می‌کنند. آن‌ها برای این که گفتار خود را مهم جلوه دهند از تشدیدکننده‌هایی برای تأکید در جملات و قوی کردن بار معنایی استفاده می‌کنند و در توصیف هر چیزی با شدت بیشتری عمل می‌کنند در حالی که مردان به یک توصیف ساده اکتفا می‌کنند (نک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۹۸-۳۹۹).

بنابراین تفاوت زبان زنان با مردان معمولاً در بسامد عناصر زبانی خاص است؛ چنان که بسامد بالای عناصری مانند جملات پرسشی، دعایی و منادا باعث می‌شود که متن، زنانه به شمار آید. شمیسا معتقد است: «در نگاه زنانه بحث زبان ساده‌تر است و بین اوصاف و صفات هم می‌توان تفاوت‌هایی با مردان یافت» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۳۹۱). پس زبان زنانه، به دنبال ابراز احساسات به شکلی دیگر و از نگاه زنان است. زنان در دنیای خود تمایل زیادی به داشتن ثبات دارند و تسلط‌طلبی مردان در زبان نیز یکی از مشخصه‌های اصلی دنیای مردان است (نک: برنارد، ۱۳۸۴: ۱۷-۲۰). همچنین نقش‌های زبانی که نشانه عدم اطمینان است در کلام زنانه بیشتر است (Wodak & Benke, 1998: 93).

براین اساس، با استفاده از مشخصه‌های زبان‌شناختی منتج از نظریات رابین لیکاف و تعداد دیگری از زبان‌شناسان، نامه‌های عاشقانه، در چهارچوب مباحثی از علم معانی فارسی بررسی شده‌اند. بسامد هریک از موارد در جدول مشخص شده و سپس نتیجه‌گیری کلی و میزان توانایی شاعر در بازنمایی زبان جنسیت بیان شده است.

۲-۱- کاربرد جملات امری

زبان‌شناسان زبان مردانه را قدرتمند و آمرانه و زبان زنانه را نیازمند به تأیید می‌دانند. آن‌ها معتقدند مردان غالباً در مکالمه‌ها به دنبال غلبه بر هم‌صحبت هستند. این باعث می‌شود آنان بیشتر از جملات امری استفاده کنند؛ اما زنان در مکالمه‌ها در پی برقراری تعامل با دیگران هستند و به جای استفاده از دستورهای مستقیم، بیشتر منظورشان را به طور پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح می‌کنند. زبان‌شناسی به نام گلیسون معتقد است در چهارسالگی، پسران بیشتر از دختران جمله امری می‌سازند (نک: اصلانی، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰). پژوهش جان‌نژاد نیز نشان می‌دهد که مردان به میزان ۷۷/۵ درصد و زنان به میزان ۲۲/۵ درصد در مکالماتشان از کلام آمرانه استفاده می‌کنند (نک: جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۵). بر اساس اصول زبان‌شناسی جنسیت، انتظار می‌رود در نامه‌های عاشقانه، کاربرد این جملات از سوی شخصیت مرد بیشتر از شخصیت زن باشد.^(۲)

جدول شماره ۱: مقایسه کاربرد جملات امری در نامه‌های عاشقانه

ردیف	منظومه	مرد	زن	کل
۱	ویس و رامین	۵	۳	۸
۲	خسرو و شیرین	۲	۱۲	۱۴
۳	لیلی و مجنون	۴	۱۰	۱۴
۴	شیرین و خسرو	۸	۷	۱۵

نتایج نشان می‌دهد کاربرد جملات امری در نامه‌های رامین ۶۲ درصد و در نامه‌های ویس ۳۸ درصد است و سخن فخرالدین اسعد گرگانی از این جهت با معیارهای زبان‌شناسی جنسیت مطابقت دارد. میزان کاربرد جملات امری از سوی نظامی در نامه خسرو ۱۴/۳ درصد و در نامه شیرین ۸۵/۷ درصد است. در لیلی و مجنون نیز ۲۸/۵ درصد از جملات امری مربوط به نامه مجنون و ۷۱/۴ درصد متعلق به نامه لیلی است. بر این اساس، در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، کاربرد زبان آمرانه از سوی شخصیت‌های مرد و زن، با اصول زبان-

شناسی جنسیت سازگار نیست و جملات امری بیشتر از سوی شخصیت‌های زن داستان به کار رفته است. در شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی، ۵۳/۳ درصد از جملات امری مربوط به نامه خسرو و ۴۶/۷ درصد مربوط به نامه شیرین است که این تفاوت نسبتاً قابل ملاحظه است. بنابراین از این منظر، ابتدا سخن فخرالدین اسعد و پس از او امیر خسرو دهلوی، با معیارهای زبان‌شناسی جنسیت مطابقت بیشتری دارد.

۲-۲- کاربرد جملات پرسشی

اریکسون و جانسون پس از بررسی سبک‌های گفتاری، استدلال کرده‌اند که سبک‌های گفتاری با جایگاه و قدرت اجتماعی پیوند دارد. افراد دارای جایگاه پایین عموماً سبک‌های گفتاری ضعیف را به کار می‌برند که با درنگ‌ها، صورت‌های سؤالی و صورت‌های بسیار مؤدبانه همراه است؛ درحالی که افراد متعلق به جایگاه بالای اجتماعی به ندرت شکل‌های ضعیف را به کار می‌برند. زنان از آنجا که در اجتماع جایگاهی ضعیف دارند، از شکل‌های ضعیف زبانی استفاده می‌کنند و بالعکس، صورت‌های مردانه قاطع و قدرتمندانه است (نک: بهمنی مطلق و مروی، ۱۳۹۳: ۲۱). فتوحی نیز به نقل از لیکاف در مورد تفاوت‌های گفتارانی مردان و زنان می‌نویسد: «زنان اکثراً از موضعی پرسشگر، مردد و حمایت‌طلب سخن می‌گویند در حالی که مردان از موضعی کنترل‌کننده و پرخاش‌گرانه گفتگو می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۹۹). زبان‌شناسان معتقدند مردان در مکالمه‌ها، بیشتر در پی نشان‌دادن دانش، کسب برتری و به کاربردن روش‌های آمرانه هستند؛ بنابراین کمتر از پرسش که نشانه توجه مثبت شنونده به سخنان گوینده و تمایل برای ادامه مکالمه است استفاده می‌کنند. اما هدف زنان از مکالمه، حفظ ارتباط، پاسخ‌دهی و تفاهم بیشتر با طرف مقابل است. آن‌ها از گفتار برای دستیابی به صمیمیت بیشتر بهره می‌گیرند؛ به همین دلیل برای تداوم ارتباط و استفاده از نظریات مخاطب، از جمله‌های پرسشی استفاده می‌کنند.

1. Erikson
2. Johnson

دل‌تنگ مباش اگر کست نیست من کس نیم آخر؟ این بست نیست؟

(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۹۰)

که را دانی چو من در مهربانی؟ چو تو با من نمایی با که مانی؟

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳)

بسیاری از جملاتی که در نامه‌های عاشقانه به شکل پرسشی به کار رفته، برای دریافت پاسخ از سوی مخاطب بیان نشده است. این گونه پرسش‌ها نوعی تأیید ذهنی گرفتن از مخاطب و بر اساس شیوه‌ای است که ارسطو در فن خطابه متذکر می‌شود: «برخی تأثیرات پرسش توسط شیوه‌ای که سخنرانی‌نویسان به کار می‌برند بر مستمعان گذاشته می‌شود تا بتواند از آگاهی دیگران بهره‌ای برده باشد» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۱۳). در این جملات، گوینده یا قصد تأیید از سوی مخاطب را دارد و یا می‌خواهد از میزان اطلاعات او بهره ببرد. این ویژگی را می‌توان به زبان جنسیت نیز تسری داد که زنان در هنگام صحبت کردن سعی دارند مخاطب را در گفتگوی خود شریک کنند و از اطلاعات او بهره ببرند یا مورد تأیید او قرار بگیرند. به همین دلیل است که یکی از ویژگی‌های سبک زنانه، کاربرد بیشتر پرسش از سوی زنان دانسته شده است.

جدول شماره ۲: بسامد تکرار الفاظ پرسش در نامه‌های عاشقانه

ردیف	منظومه	مرد	زن	کل
۱	ویس و رامین	۱۰	۱۳	۲۳
۲	خسرو و شیرین	۵	۴	۹
۳	لیلی و مجنون	۹	۶	۱۵
۴	شیرین و خسرو	۳	۱۴	۱۷

نظامی در خسرو و شیرین ۵۵/۵ درصد جملات پرسشی را از زبان خسرو و ۴۴/۵ درصد از جملات پرسشی را از زبان شیرین آورده است. در لیلی و مجنون نیز ۶۰ درصد جملات پرسشی از زبان مجنون و ۴۰ درصد آن‌ها از زبان لیلی بیان شده است و نتایج به -

دست آمده از این دو منظومه، با معیارهای معمول زبان‌شناسی مطابقت ندارد. در مقابل، فخرالدین اسعد گرگانی ۴۳ درصد از جملات پرسشی را از زبان رامین و ۵۷ درصد از جملات پرسشی را از زبان ویس بیان می‌کند. امیر خسرو دهلوی نیز تنها ۱۷/۶ درصد از جملات پرسشی را از زبان خسرو و ۸۲/۴ درصد را از زبان شیرین سروده است.^(۳) این نتایج نشان می‌دهد که نامه‌های ویس و رامین و شیرین و خسرو با این ویژگی‌های زبانی جنسیت مطابقت دارد.

۲-۳- کاربرد قسم، دعا و منادا

قسم، جمله‌ای خبری است که از حرف قسم و مورد قسم و فعل جمله که معمولاً به قرینه معنوی حذف می‌شود ساخته می‌شود. دعا نیز به معنای درخواست از خداوند است. شمیسا دعا و قسم را از جملات عاطفی دانسته است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۳۷). فتوحی نیز معتقد است «در زبان عناصری وجود دارند که جنبه اطلاع‌رسانی ندارند بلکه بیشتر جنبه تأکیدی و عاطفی دارند مانند قسم‌ها، دعاها و نفرین‌ها که کاربرد این دسته از واژه‌ها در دو گروه زنان و مردان متفاوت است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۶-۴۰۸). در بررسی نامه‌های عاشقانه، دعا در سه شکل و ساخت به کار رفته است.

- جمله امری با معنای ثانویه دعا

بنواز مرا مزن که خاکم افروخته کن که گردناکم

(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۹۲)

- جمله دعایی که در ساختار آن فعل دعایی به کار رفته است.

اگر فرهاد شد شیرین بماناد چه باک از زردگل نسرين بماناد

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۶۵)

- شبه‌جمله‌های دعایی: تمام جمله‌های دعایی عربی، در فارسی شبه جمله تلقی می‌شوند.

عفا الله زین دو چشم سیل بارم که در روزی چنین هستند یارم

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۲۴۶)

کاربرد این دسته از جملات در نامه‌ها، نشانه دقت متکلم به فراهم کردن زمینه مناسب عاطفی، برقراری ارتباط قوی با مخاطب برای انتقال بهتر عواطف و تلاش برای ابراز حسن نیت در عشق و اثبات آن به مخاطب است که با ویژگی زبان زنانه نیز مطابقت دارد.

جدول شماره ۳: میزان کاربرد قسم و دعا در نامه‌های عاشقانه

ردیف	منظومه	مرد	زن	کل
۱	ویس و رامین	۱	۴	۵
۲	خسرو و شیرین	۱	۳	۴
۳	لیلی و مجنون	۵	۱	۶
۴	شیرین و خسرو	۰	۲	۲

بر اساس این نتایج، در نامه‌های ویس و رامین، کاربرد قسم و دعا در ۲۰ درصد موارد از سوی رامین و ۸۰ درصد از سوی ویس بوده است. نظامی در خسرو و شیرین ۲۵ درصد جملات دعایی و قسم را از زبان خسرو و ۷۵ درصد را از زبان شیرین بیان کرده است. در لیلی و مجنون ۸۳ درصد جملات دعا و قسم از زبان مجنون و ۱۷ درصد از زبان لیلی بیان شده است و در شیرین و خسرو تمامی جملات دعا و قسم از زبان شخصیت زن سروده شده است. بر این اساس، این ویژگی زبان جنسیت به ترتیب در شیرین و خسرو، ویس و رامین و خسرو و شیرین دیده می‌شود اما در لیلی و مجنون نظامی، این دسته از جملات متناسب با جنسیت شخصیت‌های داستان به کار نرفته است.^(۴)

فتوحی معتقد است زنان نسبت به مردان از جملات ندایی بیشتری هم استفاده می‌کنند. «زنان از مردان جزئی‌نگرتر هستند و بیشتر از جملات دعایی، تعجیبی و منادا استفاده می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۸). وین و روبین^(۱) (۲۰۰۱) و هیوارد^(۲) (۲۰۰۳) نیز در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند زنان بیش از مردان از علائم ندایی استفاده می‌کنند (محمودی بختیاری، ۱۳۹۲:

1. Winn & Rubin
2. Hayward

(۵۴۵). نظامی در نامه‌های خسرو و شیرین، تنها دو بار (نک: نظامی، ۱۳۹۱: ۲۶۹ و ۲۶۵) و امیرخسرو، یک بار از جمله ندایی استفاده کرده است (نک: دهلوی، ۱۹۶۲: ۱۷۳). اما منادا در *لیلی و مجنون* و پس از آن در *ویس و رامین* کاربرد بیشتری داشته است.^(۵)

نگارا گرچه رنجورم ز دوری سرم را چشم و چشمم را تو نوری
(گرگانی، ۱۳۸۹: ۲۳۹)

ای یار قدیم عهد چونی وی مهدی هفت مهد چونی
(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۸۷)

جدول شماره ۴: کاربرد منادا در نامه‌های عاشقانه

ردیف	منظومه	مرد	زن	کل
۱	ویس و رامین	۲	۵	۷
۲	خسرو و شیرین	۱	۱	۲
۳	لیلی و مجنون	۱۱	۹	۲۰
۴	شیرین و خسرو	۰	۱	۱

بر اساس این آمار، در منظومه *ویس و رامین* از مجموع جملات ندا، ۲۸ درصد از زبان رامین و ۷۲ درصد از زبان ویس بیان شده است. در *خسرو و شیرین* نظامی، جملات ندایی بین شخصیت زن و مرد به صورت مساوی استفاده شده است. در *شیرین و خسرو* تنها جمله ندا، از زبان شخصیت زن سروده شده است. بر این اساس، این ویژگی زبان جنسیت به ترتیب در *شیرین و خسرو*، *ویس و رامین* و *خسرو و شیرین* دیده می‌شود. در *لیلی و مجنون* نظامی ۵۵ درصد جملات ندا از زبان مجنون و ۴۵ درصد آن‌ها از زبان لیلی آمده است و از جهت کاربرد منادا نیز نامه‌های *لیلی و مجنون* با اصول زبان جنسیت مطابقت ندارد.

۲-۴- کاربرد جملات خبری ابتدایی و طلبی

رایین لیکاف معتقد است در اجتماع به طور نسبی زنان پایگاه اجتماعی کم‌ثبات‌تری دارند. این بی-ثباتی و تزلزل اجتماعی، در رفتار زبانی آنان بازتاب درخور ملاحظه‌ای دارد. وی معتقد است زنان برای تأکید بر گفتار خود از آهنگ قوی‌تر جملات و تشدیدکننده‌ها استفاده می‌کنند. آن‌ها برای این

که گفتار خود را مهم جلوه دهند، از تشدیدکننده‌هایی برای تأکید در جملات و قوی کردن بار معنایی استفاده می‌کنند و در توصیف هر چیزی با شدت بیشتری عمل می‌کنند در حالی که مردان به یک توصیف ساده اکتفا می‌کنند. «اریکسون، جانسون و ابار (۱۹۸۷) نیز در پژوهش‌های خود استدلال کرده‌اند که زنان از آنجا که در اجتماع جایگاهی ضعیف دارند، از شکل‌های ضعیف زبانی و تشدیدکننده‌ها استفاده می‌کنند و بالعکس صورت‌های مردانه، قاطع و قدرتمندانه است» (بهمنی مطلق و مروی، ۱۳۹۳: ۲۱). برای سنجش میزان قاطعیت و ضعف کلام زن و مرد در این بخش، میزان کاربرد جملات ابتدایی و طلبی به عنوان معیار در نظر گرفته شده است.

۲-۴-۱- خبر ابتدایی

در خبر ابتدایی، مخاطب نسبت به مضمون خبر حالت انکار ندارد و در این صورت احتیاج به تأکید نیست (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۴۷-۱۴۸). بر اساس نظریات مطرح شده در مورد ویژگی زبان جنسیت می‌توان این گونه برداشت کرد که اقتضای قاطعیت زبان مردانه استفاده بیشتر از خبر ابتدایی است و با توجه به اقتضای حال مخاطب زن در این نامه‌ها و تزلزل موقعیت زنانه، سخن خطاب به او بدون هیچ تأکیدی بیان می‌شود و بدون تردید یا انکار نیز از سوی مخاطب پذیرفته می‌شود. جملات خبر ابتدایی بدون تأکید هستند و در این حالت مخاطبی در تصور متکلم خلق شده که در برابر خبر، حالت شک یا انکار ندارد. مثال:

ستم بر دل خداوندی نباشد چو جوید کس خردمندی نباشد

(دهلوی، ۱۹۶۲م: ۱۶۸)

حساب از کار او دور است ما را دل از بهر تو رنجور است ما را

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۶۴)

۲-۴-۲- خبر طلبی در نامه‌های عاشقانه

با توجه به احوال مخاطب، گاه متکلم، مخاطب را مردد فرض می‌کند و کلام را با مؤکدات مختلف می‌آورد. یکی از علل این موضوع آن است که مخاطب در موقعیتی فراتر از متکلم قرار دارد (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۴۷-۱۴۸). از جمله روش‌های تأکید برای مؤکد آوردن جمله‌ها در این

نامه‌ها می‌توان به کاربرد ادات تأکید مانند همی و همانا، کاربرد ادات قصر، کاربرد ضمیر شخصی در ابتدای جمله و تکرار اشاره کرد.

همانا جانم از تن برپریدی اگر با تو چنین روزی بدیدی

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

جهان را نیست کاری جز دورنگی گهی رومی نماید گاه زنگی

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۶۸)

تویی کت نگذرد بر دل که روزی برین در مستمندی داشت سوزی

(دهلوی، ۱۹۶۲م: ۱۶۶)

روزم چو شب سیاه کردی ... هم زخم زدی هم آه کردی

(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۹۴)

متکلم هنگام بیان خبر ابتدایی قاطع‌تر و نسبت به مخاطب دارای موضع برتری است و انتظار تردید یا مخالفتی از جانب او ندارد. اما بر خلاف آن به هنگام کاربرد خبر طلبی، مخاطب نسبت به متکلم در موضع برتر قرار می‌گیرد و با توجه به اقتضای حال او و تردید یا مخالفت احتمالی او، جملات به صورت مؤکد آورده می‌شود. به همین دلیل با توجه به ویژگی ضعف در کلام زنانه، می‌توان کاربرد خبر طلبی را که تشدیدکننده و همراه با تأکید است و نشان از برتری مخاطب نسبت به متکلم دارد از ویژگی‌های زبان زنانه دانست.

جدول شماره ۵: کاربرد جملات خبری ابتدایی و طلبی در نامه‌های عاشقانه

ردیف	منظومه	ابتدایی			طلبی		
		مرد	زن	کل	مرد	زن	کل
۱	ویس و رامین	۶۶	۴۵	۱۱۱	۱۶	۲۹	۴۵
۲	خسرو و شیرین	۳۷	۱۷	۵۴	۹	۱۲	۲۱
۳	لیلی و مجنون	۳۸	۲۲	۵۰	۱۷	۹	۲۶
۴	شیرین و خسرو	۵۰	۴۰	۹۰	۱۹	۲۲	۴۱

نتایج نشان می‌دهد به جز منظومه لیلی و مجنون، در سایر آثار این ویژگی زبان جنسیت دیده شده است اما در لیلی و مجنون، بیشترین جملات خبری طلبی توسط مجنون استفاده شده و از این نظر نیز زبان شخصیت‌های این منظومه متناسب با زبان جنسیت نیست.^(۶)

۲-۵- کاربرد نقش‌های اصلی و فرعی در جملات

ارکان اصلی برای ایجاد یک جمله نهاد و فعل است. بعضی از افعال به مفعول و یا متمم فعلی نیاز دارند و مواردی غیر از این‌ها عناصر غیر ضروری است که بیان‌کننده عواطف و جزئیات است؛ مضاف الیه، بدل، ممیز، صفت و قید از جمله این موارد است. این موارد در تقابل با اسم (هسته عبارت‌های اسمی) و فعل قرار می‌گیرد که صورت‌های اصلی و عقلانی جمله محسوب می‌شوند (رضوی و صالحی‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۲). این مبحث در علم معانی با عنوان تقييد و اطلاق مطرح می‌شود. یکی از ویژگی‌هایی که توسط رویین لیکاف، به عنوان شاخص‌های زبان زنانه مشخص شده، این است که زنان بیش از مردان از صورت‌های زبانی بیانگر استفاده می‌کنند؛ صفت و قید بیانگر عاطفه و اسم و فعل دارای دلالت عقلانی است. بنابراین بسامد قید و صفت در کلام زنان بیشتر است. یکی از موارد قابل بررسی برای دریافت میزان تفاوت زبان زنانه و مردانه در نامه‌های عاشقانه، کاربرد صفت، قید و مضاف الیه از زبان هریک از شخصیت‌های داستان است. همچنین کاربرد نقش‌های فرعی و وابسته مانند قید، صفت و مضاف الیه از سوی زنان نشان‌دهنده جزئی‌نگری آنان است در حالی که کاربرد نقش‌های اصلی از سوی مردها، نشان می‌دهد مردها در زبان و توصیفات خود بیشتر به کلیات توجه دارند.

جدول شماره ۶: کاربرد قید و صفت در نامه‌های عاشقانه

ردیف	نام منظومه	کاربرد صفت		کاربرد قید		کاربرد مضاف الیه		مجموع	
		زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
۱	ویس و رامین	۴۵	۳۰	۳۱	۱۳	۳۲	۲۶	۱۰۸	۶۹
۲	خسرو و شیرین	۲۱	۲۰	۲۳	۹	۱۴	۱۸	۵۸	۴۷
۳	لیلی و مجنون	۳۴	۲۸	۴	۵	۱۲	۳۳	۵۰	۶۶
۴	شیرین و خسرو	۳۰	۴۲	۲۳	۱۴	۴۰	۳۳	۹۳	۸۹

بر طبق نتایج، به جز لیلی و مجنون، این ویژگی زبان زنانه در سایر منظومه‌های مورد مطالعه دیده شده و صورهای زبانی بیانگر و تقیید در نامه‌های شخصیت‌های زن آثار بیشتر از مردان است.

۲-۶- میزان انطباق زبان نامه‌ها با معیارهای زبان‌شناسی جنسیت

بر طبق نتایج کلیه مباحث، ویس و رامین و سپس شیرین و خسرو با اصول زبان‌شناسی جنسیت مطابقت بیشتری دارند، اما نامه‌های دو منظومه نظامی، با اصول زبان جنسیت مطابقت نیست. یکی از دلایل وجود تمامی متغیرهای مربوط به زبان جنسیت در زبان فخرالدین و امیرخسرو، مربوط به موقعیت متزلزل فرهنگی و اجتماعی و فرودست بودن زنان در عصر این شاعران است (نک: خواجه نوری و زاهد، ۱۳۸۲: ۵۹-۶۹)؛ اما با توجه به موقعیت تقریباً مشابه زنان ایرانی، در زمان هر سه شاعر باید تفاوت زبان نظامی را در عوامل دیگری جستجو کرد. یکی از دلایل قاطعیت زبان زنانه خسرو و شیرین، دیدگاه شخصی نظامی نسبت به شخصیت زن است که در این زمینه تابع دیدگاه رایج در جامعه نیست. «از نظر نظامی، قهرمان واقعی سرتاسر منظومه و نقطه مرکزی آن خسرو نیست، بلکه شیرین است» (برتلس، ۱۳۵۰: ۸۳). برای نظامی، شیرین یادآور آفاق همسر از دست رفته اوست و شاید همین علاقه او به این شخصیت داستان سبب شده تا در سخنان شیرین ویژگی‌های ضعف زبان زنانه دیده نشود. نکته دیگر این که همان‌گونه که می‌دانیم، نظامی فردی حکیم بوده است و در خسرو و شیرین گاه حکمت خود را از زبان شیرین جاری می‌سازد. بنابراین در بخش‌هایی که شیرین به تبیین مسائل دنیوی و اخروی می‌پردازد، به طور قطع شیرین کسی نیست جز خود نظامی (نک: نظامی، ۱۳۹۱: ۳۹۸-۳۹۹). مسئله دیگری که در تفاوت زبان نظامی باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت‌های فرهنگی میان جامعه ایران و قفقاز است. نظامی شخصیت شیرین را در مکانی غیر از ایران و در یک محیط آزاد، ساخته و پرداخته است. «او برای خلق تمثال شیرین از دنیای اسلام بیرون آمده و به مسیحیت قفقاز آن روز توجه کرده است» (برتلس، ۱۳۵۰: ۸۴). در محیطی که برای شیرین ساخته شده، «زن چیزی از شاه شاهانش کم ندارد که قصب بر سر و موی فروهشته را از تاج مرصع پادشاهی کم نمی‌داند و بی‌پروا سخن می‌گوید» (سعیدی)

سیرجانی، ۱۳۷۷: ۱۶). نظامی شیرین را از نظر اصالت، زنی بزرگ‌زاده و از جهت زیبایی و شخصیت مظهر خردمندترین و زیباترین زنان می‌داند و طبیعی می‌نماید که زبان چنین شخصیتی را قاطع و محکم نشان دهد.

منظومه لیلی و مجنون نیز با ویژگی‌های زبان جنسیت مطابقت کمتری دارد. علت این امر را می‌توان در چند مورد جستجو کرد. نخست این که تاریخ نشان می‌دهد بخشی از زندگی شخصیت‌های داستان با واقعیت منطبق است. بنابراین در بررسی زبان این منظومه باید به تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی نیز توجه داشت. «کراچکوفسکی برای مجنون هویتی واقعی قائل است و او را یکی از اهالی عربستان در سده اول هجری می‌داند (کراچکوفسکی، ۱۳۷۳: ۲۵). دسته دیگری از محققان، بن‌مایه‌های عربی اولیه داستان را به پیش از اسلام می‌رسانند (Allen, 2000: 170). در دوران جاهلیت، زنان عرب استقلال رأی و آزادی داشتند و عده‌ای از آنان در جنگ، سیاست، شعر، تجارت و صنعت به‌نام بودند. در دوره جاهلیت اختیار ازدواج را به دختران می‌دادند، زنان قریش بر شوهر خود مسلط بودند و بر مردان خود تحکم می‌کردند» (جرجی زیدان، ۱۳۷۲: ۹۲). اما اگر نظر تعدادی از محققان را که معتقدند ریشه‌های داستان لیلی و مجنون مربوط به پس از اسلام است بپذیریم، باز هم می‌توانیم برتری زبان زنانۀ این منظومه را نشانه رویکرد تاریخی شاعر و شرایط فرهنگی جامعه آن عصر عربستان بدانیم؛ زیرا اسلام زن عرب را به اعطای شخصیت و استقلال اراده بیشتری مفتخر داشت و به او اختیاراتی اساسی و پایگاهی عطا کرد که به وی مجال می‌داد تا آزادی‌های دیگر و حقوق سیاسی کسب کند» (ستاری، ۱۳۷۳: ۳۷). هرچند در منظومه نظامی، عقیده پدر و قبیله لیلی، بر عقیده شخصی لیلی غالب است، اما شاید بتوان در انتخاب زبان این شخصیت از سوی نظامی، فرضیه ذکرشده را قابل بررسی دانست. از سوی دیگر، لیلی و مجنون نظامی از اولین آثاری است که با زمینه عرفانی سروده شده است. در این اثر، ریاضت‌های مجنون و شیفتگی و انقیاد او در برابر لیلی، وادی‌های سیر و سلوک عرفانی را به یاد می‌آورد و شاید نظامی در ترسیم شخصیت و گفتار مجنون، تصمیم به خلق شخصیتی داشته که در برابر خواست معشوق تسلیم است و نخواستۀ او در برابر خواست معشوق، کلامی آمرانه باشد. در این اثر، هدف

شاعر بیان یک عشق متعالی و عارفانه است و مسئله جنسیت و عشق زمینی لیلی و مجنون، کمتر مورد توجه شاعر بوده است.

۳- نتیجه گیری

در میان نامه‌های حیطة بررسی، ویس و رامین و شیرین و خسرو با اصول زبان جنسیت مطابقت بیشتری دارد. بر اساس یافته‌ها:

- بیشترین کاربرد جملات امری در نامه‌های ویس و رامین و شیرین و خسرو، از زبان شخصیت مرد داستان است اما در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی، این دسته از جملات در نامه‌های شخصیت زن داستان کاربرد بیشتری داشته است و از این منظر، زبان نامه‌های این دو منظومه با اصول زبان‌شناسی جنسیت سازگار نیست.

- جملات پرسشی که از ویژگی‌های زبان زنانه است در ویس و رامین و شیرین و خسرو، در نامه‌های شخصیت زن از بسامد بالاتری برخوردار است اما در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، این جملات بیشتر از سوی شخصیت مرد داستان به کار رفته است.

- جملات قسم، دعا و منادا در سه منظومه ویس و رامین، خسرو و شیرین و شیرین و خسرو منطبق با اصول زبان‌شناسی جنسیت و در نامه‌های زنان از فراوانی بیشتری برخوردار است؛ اما در لیلی و مجنون، بیشترین کاربرد این دسته از جملات، مربوط به نامه شخصیت مرد داستان است.

- در کاربرد خبر ابتدایی و طلبی، به جز لیلی و مجنون، دیگر آثار با اصول زبان‌شناسی جنسیت مطابقت دارد.

- در تمامی نامه‌ها به جز نامه‌های لیلی و مجنون، نقش‌های فرعی جملات و صورت‌های زبانی بیانگر در نامه‌های شخصیت زن کاربرد بیشتری داشته است.

از آنجا که واژه جنسیت بر مشخصه‌های هر یک از دو جنس بر اساس موقعیت فرهنگی و اجتماعی نیز دلالت دارد، شاید یکی از دلایل وجود تمامی متغیرهای مربوط به زبان جنسیت به ویژه خصیصه ضعف زبان زنانه در این دو اثر مربوط به موقعیت اجتماعی زنان آن دوره است.

شرایط اجتماعی زنان در زمان هر سه شاعر تقریباً مشابه است و در زمان سرایش هیچ کدام از این چهار منظومه، زن ایرانی موقعیت برتری نداشته، ولی زبان جنسیت به ویژه متغیرهای مربوط به ضعف این زبان، در لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نظامی کمتر از دو منظومه دیگر مشهود است. دلایل عدم تطابق سخن نظامی با زبان جنسیت را باید در دیدگاه شخصی نظامی نسبت به شخصیت زن، موقعیت فرهنگی و اجتماعی منطقه‌ای که داستان در آن خلق شده، نقش اول شیرین در داستان، دیدگاه نظامی به شیرین و علاقه او به این شخصیت داستان دانست. تفاوت‌های فرهنگی و موقعیت تاریخی و اجتماعی زنان عرب را می‌توان یکی از عوامل عدم تطابق نامه‌های لیلی و مجنون با اصول زبان جنسیت دانست. همچنین لیلی و مجنون از اولین آثاری است که با زمینه عرفانی سروده شد و نظامی، وادی‌های سیر و سلوک عرفانی را با ضعف و انقیاد مجنون در برابر لیلی نشان می‌دهد.

یادداشت‌ها

۱- نقطه شروع مطالعات زبان جنسیت، انتشار مقاله «زبان و جایگاه زنان» به قلم رابین لیکاف در نشریه معتبر «زبان و جامعه» بود. بر طبق این نظریه که بعدها به نظریه کاستی معروف گردید، زبان به کار رفته توسط زنان مشخصاً ضعیف و فاقد قدرت و دارای کاستی‌هایی است. زنان در مقایسه با مردان فرم‌های نامطمئن و ضعیف‌تر زبان را به کار می‌برند که از نقش ضعیف تحمیل شده بر آنان از سوی اجتماع سرچشمه می‌گیرد. بر طبق این نظر، زبان زنان هم به مفهوم زبان به کار رفته توسط زنان و نیز به معنی زبان به کار رفته در مورد زنان، گونه‌ی زبانی مشخصاً ضعیف و فاقد قدرت و دارای کاستی است (Lakoff, 1975: 52).

- کاربرد متغیرهای مربوط به زبان جنسیت در نامه‌های عاشقانه

- (۲) ویس و رامین: رامین: ۱/۲۲۰ - ۱۰/۲۲۲ - ۱۹/۲۲۱ - ۱۷/۲۷۰ - ۱۸/۲۷۰، ویس: ۳/۲۳۶ - ۴/۲۳۸. خسرو و شیرین: خسرو: ۱۴/۲۶۴ - ۱۳/۲۶۵، شیرین: ۱۱/۲۶۹، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸ - ۲، ۳/۲۷۰، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۳. لیلی و مجنون: مجنون: ۲/۱۹۲ - ۲/۱۹۳، ۵، ۶، ۷، ۹ - ۱/۱۹۴ - ۳/۱۹۵، لیلی: ۲/۱۸۹ - ۳/۱۹۰ - ۸/۱۹۰ - ۶/۱۹۰. شیرین و خسرو: خسرو: ۶/۱۶۸ - ۱۰ - ۴/۱۶۹، ۵ - ۱/۱۷۰، ۲، ۴، ۷، شیرین: ۵/۷۶ - ۷ - ۲/۱۷۷ - ۹/۱۷۸، ۱۰ - ۸/۱۸۰ - ۹/۱۸۱.

- (۳) ویس و رامین: رامین: ۱۲/۲۲۰، ۲۰، ۲۱، ۲۲-۲۲۱/۹، ۱۶-۲۲/۲۶۹-۱۳/۲۷۰، ۱۴، ۱۵، ۲۱. ویس: ۸/۲۳۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰-۱۵/۲۳۶، ۱۸، ۲۲، ۲۴-۲/۲۳۷، ۱۶، ۲۸-۱/۲۳۸. خسرو و شیرین: خسرو: ۲/۲۶۳-۲/۲۶۴-۱۰/۲۶۴-۳/۱۳۲۶۵/۲۶۴، ۴ شیرین: ۵/۲۶۹، ۱۴، ۱۵-۱/۲۷۱. لیلی و مجنون: مجنون: ۲/۱۹۲، ۳، ۴، ۵-۳/۱۹۵-۶/۱۹۴، ۴، ۶، ۱۶. لیلی: ۱/۱۸۸، ۶، ۱۱-۶/۱۹۰، ۱۴-۱۴/۱۹۱.
- (۴) ویس و رامین: رامین: ۱۰/۲۶۹، ویس: ۱۵/۲۳۵-۱۷/۲۴۹-۱۴/۲۳۲، ۱۵. خسرو و شیرین: خسرو: ۱۴/۲۶۵ شیرین: ۶/۲۷۰-۱۴/۲۷۰-۲/۲۷۱. لیلی و مجنون: مجنون: ۱۳/۱۹۲-۲/۱۹۳-۶/۱۹۶-۱/۱۹۸ لیلی: ۹/۱۹۰. شیرین و خسرو: شیرین: ۷/۱۶۸-۹/۱۸۰.
- (۵) رامین: ۱۹/۲۲۱-۲۱/۲۶۹ ویس: ۱۷/۲۳۸-۲۲/۲۳۵، ۲۴، ۲۵-۱۲/۲۳۹، مجنون: ۱۳/۱۹۱-۱۷/۱۹۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱-۲/۱۹۴-۸/۱۹۶-۴/۱۹۷، لیلی: ۱۰/۱۸۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸.
- (۶) رامین: خیر ابتدایی ۶/۲۲۰، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳-۲/۲۲۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸-۶/۲۲۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳-۳/۲۶۹-۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰-۱/۲۷۰، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹. خیر طلبی: ۱/۲۲۱-۱/۲۲۱، ۲، ۳-۲۶-۴/۲۲۲-۱۲/۲۶۹، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲/۲۷۰، ۳، ۶، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۲۵-۲۳/۲۶۹-۷/۲۷۰، ۱۰. ویس: خیر ابتدایی: ۲۲/۲۳۴، ۲۳، ۲۴-۲/۲۳۵، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸-۲۹-۶/۲۳۶، ۱۱، ۱۲، ۲۰، ۲۳، ۲۳-۲۵-۱/۲۳۷، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷-۲/۲۳۸، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲. خیر طلبی: ۱/۲۳۵، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۴-۱/۲۳۶، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹-۳/۲۳۷، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۸، ۱۹، ۲۳-۲۴-۳/۲۳۸، ۷، ۱۱، ۲۵/۲۳۴-۱۵/۲۳۵-۲/۲۳۶.
- خسرو: خیر ابتدایی ۷/۲۶۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳-۱/۲۶۴، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱-۲/۲۶۵، ۵، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹-۱/۲۶۶، ۲، ۳، ۴. خیر طلبی: ۷/۲۶۴-۱۲/۲۶۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲.
- شیرین: خیر ابتدایی: ۱۶/۲۶۷-۲/۲۶۸، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۶-۱/۲۶۹، ۴، ۷، ۸، ۱۲-۱۰/۲۷۰. طلبی: ۸/۲۶۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴-۲/۲۶۹-۳، ۶، ۹، ۱۶-۱/۲۷۰، ۴، ۱۲، ۱۰.
- مجنون: خیر ابتدایی ۷/۱۹۱، ۱۲-۱۴/۱۹۲-۳/۱۹۳-۴، ۸، ۱۰-۳/۱۹۴-۴، ۱/۱۹۵، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵-۱/۱۹۶، ۲، ۳، ۴، ۵-۳/۱۹۷، ۶، ۸، ۲. خیر طلبی ۱/۱۹۳، ۱۱، ۱۲-۵/۱۹۴، ۷، ۸-۷/۱۹۵، ۱۱، ۱۲-۹/۱۹۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳-۱/۱۹۷، ۲، ۷. لیلی: خیر ابتدایی ۱۵/۱۸۶-۷/۱۸۷، ۸، ۹

۱۹-۴/۱۸۸، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲-۱/۱۸۹، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲-۱/۱۹۰، ۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵. خبر
 طلبی ۲/۱۸۸، ۳، ۷، ۹-۴/۱۸۹، ۹، ۱۰-۷/۱۹۰، ۱۱.
 خسرو: خبر ابتدایی ۶/۱۶۵، ۹، ۱۰-۱/۱۶۶، ۴، ۶، ۷، ۱۰-۳/۱۶۷، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۱-۱/۱۶۸، ۳، ۴، ۵، ۹-۲/۱۶۹، ۹، ۱۰، ۱۱-۳/۱۷۰، ۸، ۹، ۱۰-۱/۱۷۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، طلبی ۱۱/۱۶۵-
 ۲/۱۶۶، ۸، ۹، ۱۱-۱/۱۶۷، ۲، ۴، ۶، ۱۰-۲/۱۶۸، ۸، ۱/۱۶۹، ۳، ۷، ۸-۱۲/۱۷۱-۳/۱۷۲، ۱۰.
 شیرین: خبر ابتدایی ۴/۱۷۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱-۲/۱۷۴، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۲-۱/۱۷۵، ۴، ۵، ۶، ۷-
 ۳/۱۷۶، ۴، ۶، ۱۱-۵/۱۷۷، ۶، ۷، ۹-۱/۱۷۸، ۴، ۶-۱/۱۷۹، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۱-۱/۱۸۰، ۴. خبر طلبی:
 ۴/۱۷۴، ۷-۸/۱۷۵-۱۰/۱۷۶-۱/۱۷۷، ۸، ۱۰-۲/۱۷۸، ۳، ۸، ۲۱-۴/۱۷۹، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲-۱۰/۱۷۴-
 ۳/۱۸۰، ۶-۱/۱۸۱، ۳، ۶.

کتابنامه

- ارسطو. (۱۳۷۱). *ریطوریقا (فن خطابه)*. ترجمه پرخیده ملکی. تهران: اقبال. چاپ اول.
- اصلانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *تعامل زبان و جنسیت و کارکردهای آن در ادبیات معاصر فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه پیام نور.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۳). *چهار گفتار درباره زبان*. تهران: آگه.
- برتلس، یوگنی ادواردویچ. (۱۳۵۰). *نظامی شاعر بزرگ آذربایجان*. ترجمه حسین محمدزاده صدیق. تهران: پیوند.
- برنارد، جسی شرلی. (۱۳۸۴). *دنیای زنان*. ترجمه شهرزاد ذوفن. تهران: اختران.
- بهمنی مطلق، یدالله؛ باقری، نرگس. (۱۳۹۱). «مقایسه زبان زنانه در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد». *زن و فرهنگ*. شماره ۱۱. صص ۴۳-۵۹.
- بهمنی مطلق، یدالله؛ مروی، بهزاد. (۱۳۹۳). «رابطه زبان جنسیت در رمان شب‌های تهران». *زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۷۶. صص ۷-۲۶.
- ترادگیل، پیترو. (۱۳۹۵). *زبان‌شناسی اجتماعی (درآمدی بر زبان و جامعه)*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: آگه.
- جان‌نژاد، محسن. (۱۳۸۰). *زبان و جنسیت؛ تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تهران.

حسینی، مریم. (۱۳۸۴). «روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه». کتاب *ماه ادبیات و فلسفه*. شماره ۹۳. صص ۹۴-۱۰۱.

خواجه‌نوری، بیژن؛ زاهد، سعید. (۱۳۸۲). «بررسی و تحلیل اجمالی نقش اجتماعی زنان در تاریخ ایران». فرهنگ. شماره ۴۸. صص ۱۳۸-۱۵۱.

داوری اردکانی، نگار؛ عیار، عطیه. (۱۳۸۷). «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت». *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۴۲. صص ۱۶۲-۱۸۱.

دهلوی، امیرخسرو. (۱۹۶۲م). *شیرین و خسرو*. با مقدمه غضنفر علی‌اف. مسکو: اداره نشریات ادبیات خاور.

ریپکا، یان. (۱۳۵۴). *تاریخ ادبیات در ایران*. ترجمه عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. رضوی، فاطمه؛ صالحی نیا، مریم. (۱۳۹۴). «سبک زبان زنانه در خاطرات تاج‌السلطنه». *ادب پژوهی*. شماره ۳۱. صص ۶۵-۹۰.

ریاحی، لیلی. (۱۳۵۸). *قهرمانان خسرو و شیرین*. تهران: امیرکبیر.

زیدان، جرجی. (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*. جلد اول. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.

سپیر، ادوارد. (۱۳۷۶). *زبان*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: سروش.

ستاری، جلال. (۱۳۷۳). *سیمای زن در فرهنگ ایران*. تهران: مرکز.

سعیدی سیرجانی، علی اکبر. (۱۳۷۷). *سیمای دو زن*. تهران: پیکان.

سلدن، رامان؛ ویدوسون، بیترا. (۱۳۷۷). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. چاپ دوم. تهران: طرح نو.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۵). *نقد ادبی*. تهران: میترا.

_____ (۱۳۷۳). *انواع ادبی*. تهران: فردوس. چاپ هشتم.

_____ (۱۳۷۹). *بیان و معانی*. تهران: فردوس. چاپ ششم.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۰). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد سوم. تهران: فردوس. چاپ هفتم.

صادقی تحصیلی، طاهره. (۱۳۷۴). *ویژگی‌های شعر زنان و تفاوت آن با شعر مردان (در دوره معاصر)*.

پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۸). «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟». *زبان و ادب پارسی*. شماره ۴۲. صص ۸۷-۱۰۷.

عسگری، معصومه. (۱۳۷۵). *تفاوت‌های تلفظی زنان و مردان در فارسی تهرانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

علی‌نژاد، بتول. (۱۳۸۱). «بررسی نسبی گرایانه مقوله جنس در راستای تحول زبان فارسی». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران شناسی. تهران.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، روش‌ها و رویکردها*. تهران: سخن.

فخرالدین اسعد گرگانی. (۱۳۸۹). *ویس و رامین*. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: هیرمند.

فروزان‌فر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۰). *سخن و سخنوران*. تهران: خوارزمی.

کراچکوفسکی، ایگنانی اولیانویچ. (۱۳۷۳). *پژوهشی در ریشه‌های تاریخی لیلی و مجنون*. ترجمه کامل احمدنژاد. تهران: زوار.

محمودی بختیاری، بهروز؛ دهقانی، مریم. (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره پنجم. شماره ۴. صص ۵۲۳-۵۵۶.

مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

نجم‌آبادی، افسانه. (۱۳۷۷). «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت». *مجموعه مقالات نگاه زنان*. تهران: توسعه.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶). *لیلی و مجنون*. تهران: قطره.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۱). *خسرو و شیرین*. تهران: قطره. چاپ سیزدهم.

نوشین‌فر، ویدا. (۱۳۸۱). «زبان و جنسیت». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند*. شماره ۲. صص ۱۸۱-۱۸۸.

نیکویخت، ناصر؛ بزرگ بیگدلی، سعید. (۱۳۹۱). «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد». *تقد ادبی*. شماره ۱۸. صص ۳۲۳-۳۳۳.

Allen, R. (2000). *An introduction to Arabic literature*. New York: Cambridge University Press.

Baron, N. (1986). Language, sublanguage, and the promise of machine translation. *Computers and Translation*, 1(1): 3-19.

Brend, R. (1975). "Male, Female: Intonation Pattern in American English". In Thorne and Hanley. *Language Study*. Amsterdam: Bjamin. pp. 866-870.

Cameron, D. (2005). "Language, gender, and sexuality". *Applied Linguistics*. 26 (4): 482-502.

- Dubois, B. & Crouch, I. (1975). "The Question of Tag Questions in Women's Speech: They Really Don't Use More of Them". *Language in Society*. 4: 289-294.
- Erickson, T. A., & Matteson, M. E. (1981). "From words to meaning: A semantic illusion". *Journal of Verbal Learning & Verbal Behavior*. 20: .
- Fishman, J. (1971). *Sociolinguistique*. . Paris-Bruxelles: Nathan-Labor. p. 159.
- Hayward, M. (2003). "Are Texts Recognizably Gendered? An Experiment and Analysis". *Poetics* (31): pp. 87-101.
- Johnson, D. M. & Roen, D. H. (1992). "Complimenting and Involvement in Peer Reviews: Gender Variation", *Language In Society*, 21 (1): pp. 27-57.
- Labov, W. (1972). "Contraction, Deletion, and Inherent Variability of the English Copula". *Language*. 45. pp.715-762.
- Lakoff, R. (1975). *Language and Women's Place*. New York: Harper & Row.
- O'Barr, W. M., & Atkins, B. K. (1980). "Women's language" or "powerless language"? In S. McConnell-Ginet, R. Borker, & N. Furman (Eds.), *Women and language in literature and society*. New York: Praeger.
- Rubin, D. & Greene, K. (2001), "Gender-typical style in written language". *Research in the Teaching of English*. 26 (1): 7-40.
- Wodak, R; Benke, G. (1998). "Gender as a Sociolinguistic Variable: New Perspectives on Variation". In *The Handbook of Sociolinguistics*. By Florian Coulmas. (pp. 88-103). Blackwell.